



پن



محرم آمد و عالم سپید شد



# فہرست

از غدیر تا محرم چہ گذشت ..... ۶

یا اباعبداللہ پسر فاطمہ ..... ۹

غرب و وحشہ ..... ۱۲

بانکدارے اسلام یاربوے ..... ۱۵

آیا میدانید، پیشرفت نگاشت، نامہ ..... ۱۷

این عمار ..... ۱۸





محرم و عاشورا:

گر کسانی برای حفظ جانشان، راه خدا را ترک کنند و آن جا که باید حق بگویند، نگویند، چون جانشان به خطر می افتد، یا برای مقامشان یا برای شغلشان یا برای پولشان یا محبت به اولاد، خانواده و نزدیکان و دوستانشان، راه خدا را رها کنند، آن وقت حسین بن علی ها به مسلخ کربلا خواهند رفت و به قتلگاه کشیده خواهند شد.

غدير خم :

آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته باشند جوابشان مسئله ی غدير است.



## سخن سر ناپیر

بسم الله الرحمن الرحيم  
 حمد سپاس خداوند متعال را که ما را توفیقی نهاد که توانستیم  
 همین قدم خود را در راه تبیین و جهاد تبیین برداریم  
 از تمام کسانی که ما را در این نشریه یاری کردند از جمله  
 نویسندگان محترم، ویراستار گرامی و طراح عزیز بهال تشکر را  
 داریم یا علی.

چو کردی چراغ مرا نور دار  
 ز من باد سحر نشان دور دار



نشریه پسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان  
 آذربایجان غربی





# فشری تبیینی تحلیل قبیاء

شناسه فشریه:

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

مدیر مسئول: آقای رضا محمد اقدم

سر دبیر: آقای سینا پلنکی

ویراستار: آقای مهدی احمدی

طراح: آقای پرویز احمدیان

هیئت تحریریه: سرکار خانوم زهرا حاجی قاسمی

وجناب آقایان: احمد برزگری، علیرضا جهاتتاب سبحان پیرزاده و سینا پلنکی



# از غدیر تا عاشورا چه گذشت؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دو سه ماه بیشتر از واقعه غدیر نگذشته، که نبی مکرم اسلام به ندای پروردگارش لبیک گفته و در تاریخ ۲۸ صفر، به روایت اهل تشیع و در تاریخ ۱۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری، به روایت اهل سنت دار فانی را وداع می گوید و درحالیکه امیرالمومنین و بنی هاشم مشغول تغسیل و تدفین پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بودند، عده از مهاجرین و انصار، در محلی به نام سقیفه بنی ساعده، دور هم جمع می شوند تا جانشین پیامبر را انتخاب کنند!!!

۱۸ ذی الحجه سال دهم هجرت، پیامبر در راه بازگشت از حج، در میانه راه مکه به مدینه در بین خیل انبوه مسلمین پیام مهمی را به مسلمانان ابلاغ می کند، پیامی که رسالت سید المرسلین و اکمال دین به آن گره خورده است. پیامبر، درحالی که دست حضرت امیر را بلند کرده است می فرماید: هرکس، من مولای او هستم این علی مولای او است. تمام مسلمانان حاضر در واقعه ی غدیر، با امیر مومنان بیعت می کنند و حتی جناب عمر بن خطاب (خلیفه دوم)، تبریک گویان به سمت علی آمده و می گوید: بخ بخ یا ابن ابی طالب اصبح و امسیت مولای و مولی کل مومن.





حضرت امیر در نهایت پس از پنج سال و نیم خلافت، در فجر روز ۱۹ رمضان سال چهارم هجری، در حال نماز، توسط شمشیر زهراگین ابن ملجم مرادی ضربت خورد و در ۲۱ رمضان به شهادت رسید. بسم الله و بالله و علی مله رسول الله، فرت ورب الکعبه.

پس از امیر المومنین، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام به خلافت رسید؛ ولی ایشان هم نتوانستند راه به جایی ببرند.

با مرگ معاویه در ماه رجب سال ۶۰ هجری یزید فرزندش به حکومت می‌رسد و دستگاه اموی شروع به بیعت گرفتن برای یزید بن معاویه می‌کنند و علی الخصوص بر شیعیان در عراق و صحابه پیامبر در مدینه برای بیعت با یزید فشار می‌آورند، از جمله بر امام حسین علیه السلام اما ایشان از بیعت سرباز می‌زند و در این هنگام که نامه‌های بسیار زیادی از شیعیان در عراق به سمت مدینه سرازیر می‌شود، امام به جهت حج به مکه می‌روند ولی با دیدن نامه‌های بسیار اهل کوفه با نیمه گذاشتن حج، با اهل بیت و یاران خویش به سمت کوفه رهسپار می‌شوند.

در این زمان با وجود اینکه مردم کوفه در نامه‌های خود با امام عهد بسته بودند که ایشان را یاری کنند، با این همه از کمک به مسلم بن عقیل فرستاده امام شانه خالی می‌کنند و مسلم بن عقیل توسط ابن زیاد، عامل یزید در کوفه شهید می‌شود و امام که به نزدیکی‌های کوفه رسیده است، در محاصره لشکریان عمر بن سعد که از کوفه روانه شده قرار می‌گیرد.

بحث در مورد چگونگی خلیفه و خلافت زیاد بود، تا در نهایت جناب ابوبکر به خلافت انتخاب شد و گویی پیامبر امت خویش را بدون سرپرست رها کرده و هرگز جانشینی برای خود انتخاب نکرده! حال اینکه چرا مردم علی (ع) را به عنوان خلیفه قبول نکردند، در قسمت این عمار آمده است.

خلافت بین جناب ابوبکر، جناب عمر و جناب عثمان جریان یافت، تا اینکه خلیفه سوم توسط شورشیان به قتل رسید.

در این زمان مردم پس از نزدیک به بیست و پنج سال، حضرت علی را به خلافت انتخاب کردند و چنان برای بیعت به سمت حضرت هجوم آوردند، که حضرت

می‌گویند: «ترسیدم که حسن و حسین زیر دست و پا

بمانند.» اما حیف که خیلی دیر شده بود. چرا که مردم و به خصوص خواص، سبک زندگی و آرمان‌ها و ارزش‌های پیامبر اسلام را فراموشی کرده بودند یا حداقل این باور‌ها سطحی شده بود و آنها که به حقوق‌های نجومی و امتیازات ویژه و رفاه عادت کرده بودند، طاقت عدل علوی و اسلام واقعی را نداشتند.

بنی امیه، که زمانی سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر اسلام بودند و تا زمان فتح مکه در برابر پیامبر مقاومت می‌کردند؛ پس از به خلافت رسیدن علی (ع) به سرسخت‌ترین دشمنان حضرت تبدیل شدند و در جنگ‌های جمل و صفین نقش اساسی را داشتند. بطوریکه از عوامل مهم جنگ جمل، تحریک‌های مروان بن حکم، داماد جناب عثمان بود، که پیامبر او و پدرش را از مدینه اخراج کرده بود؛ اما در زمان خلیفه سوم دوباره توانستند به مدینه بازگردند و معاویه بن ابی سفیان هم که در زمان خلیفه سوم حاکم شام بود، از امیر المومنین سربیزی کرد و از حکم ایشان تمکین نکرد و جنگ صفین و ماجرای حکمیت شکل گرفت.

از عبرت‌انگیزترین قضایا در ماجرای پس از حکمیت ماجرای خوارج است. خوارج معتقد بودند معاویه و حضرت امیر المومنین هیچ یک شایسته حکومت نیستند و حضرت امیر المومنین باید بخاطر قبول حکمیت توبه و استغفار کند؛ درحالی‌که خود این جماعت شمشیر به دست خیمه‌ی امیر مومنان را محاصره کرده بودند، تا حکمیت را بپذیرد و عقب‌نشینی کند، حال آنکه مالک بن اشتر فقط چند ضربه‌ی شمشیر با خیمه معاویه فاصله داشت!!! مثل این جماعت را می‌توان امروز هم در جامعه دید. البته مردم عراق، نتیجه کار خود را دیدند و در زمان معاویه تحت شدیدترین خفقان و آزار و اذیت قرار گرفتند.





## حرم مطهر امام علی (ع) نجف؛ مهم ترین زیارتگاه جهان تشیع

کوفیانی که زمانی هزاران نامه به سمت امام راه روانه میکردند و پیمان های محکم می بستند اکنون در صفوف دشمنان امام قرار گرفته اند و تخلف از امام معصوم، به جایی رسید که آشکارا از هیچ قتل و بی حرمتی ای به خاندان پیامبر دریغ نکردند و یاران امام را به شهادت رساندند و سبط رسول الله و سرور جوانان اهل بهشت را سر بریدند و از هیچ جسارتی به بدن پاک آن حضرت دریغ نکردند و اهل بیت ایشان را به بند کشیدند و در شهرها و قریه های اسلامی گردانند، تا مایه عبرت همگان شوند و این واقعه چنان خشمی از بنی امیه برانگیخت که چندین قیام ضد بنی امیه به وقوع پیوست و در نهایت بنی عباس که به اسم خویشاوندی با پیامبر و به ادعای محبت اهل بیت قیام کرده بودند، بنی امیه را سرنگون کرده و حکومت عباسیان را بنیان گذاری کردند. اما کوفیان و اهل مدینه پس از شهادت امام حسین علیه السلام رنج های بسیاری متحمل شدند. مردم مدینه که در ابتدا با یزید بیعت کرده و از امام حسین روی برگردانده بودند؛ پس از عاشورا با آل زبیر بیعت کردند و ضد یزید شوریدند و در نهایت لشکریان یزید به مدینه حمله کرده و چنان جنایت و توحش و فساد در شهر پیامبر مرتکب شدند که زبان از بیان آنها شرمنده است و حتی به زنان مسلمان که به مدفن پیامبر پناه برده بودند نیز رحم نکردند و کل شهر تا سه روز برای تمام لشکریان مباح شد و گفته می شود به تمام مردان شهر داغ بردگی یزید زده شد و اما در کوفه سال ها بعد حجاج بن یوسف ثقفی به قدرت رسید و چنان جنایت کرد که در تاریخ اسلامی بی سابقه است و مردم عراق تا امروز با شنیدن نامش برافروخته می شوند.

هنگامی که مردم از امام معصوم جدا می شوند در واقع خود را از کشتی نوح و ریسمان هدایت جدا انداخته اند و امواج بلا و گمراهی چنان آنها را در می نوردد، که تا سال ها حتی فرزندان آنها از بلا و مصیبت و گمراهی در امان نخواهند بود. وقتی گنجینه و میراث ارزشمند پیامبر در میان امت مهجور شوند، امت روز به روز به سمت قهقرا پیش خواهد رفت. برای همین است که ولایت مهمترین ارکان اسلام برشمرده شده است و امام باقر علیه السلام می فرماید: اسلام بر پنج چیز استوار شده است (بنا شده است)، بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیز بیشتر از ولایت توصیه و سفارش نشده است. وقتی بضعه رسول الله با ناراحتی از دنیا می رود و شبانه مهجور دفن می شود، می خواهد ما را به پشتیبانی از ولایت دعوت کند. وقتی عزیزترین شخص پیامبر تا آخرین لحظه تلاش میکند، تا تاریخ را تحریف نکنند و از ولایت تا آخرین لحظه و حتی پس از مرگ نیز دفاع میکند، می خواهد امت، اسلام را از طوفان ها و بلا ها نجات دهد. امروز کسانی که از دشمنان ولایت دفاع می کنند، مانند کسانی هستند که مهجوریت و ظلم به صدیقه شهیده را دیدند و دم بر نیاورند، فرق شکافته امیرمومنان را دیدند و پشیمان نشدند، از کمک به امام حسن دریغ کردند و امام را تنها گذاشتند و در نهایت سر فرزند پیامبر را بریدند. اترجوا امه قتلت حسينا شفاعة جده يوم الحساب آیا امتی که حسین را کشتند، امید به شفاعت جدش در روز حساب دارند؟ والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

احمد برزگری



یا ابا عبد الله پسر فاطمه سلام

یا ابا عبد الله پسر فاطمه سلام

امام روزهای سخت من

دلت چه رنگ است در عاشورا؟

گرفته است از مردمان این زمین؟

یا تجلی رنگ خداست؟

یا ابا عبد الله پسر فاطمه

این چه ماتم است که هربار با محرم به غزای دل مامی آید؟

محتشما چه خوش گفتمی باز این چه شورش است که در خلق عالم است

که زمین از خون شهیدان عاشورا رنگین است

و آسمانی که جور امانت توانست بکشد

ولیکن جور امانت خون علی اصغر را به دوش گرفت

یا ابا عبدالله ای پسر فاطمه  
در شام غریبان که همه می گویند  
امشب سحر ندارد

و همه عالم در غم غوطه ورند  
کوه ندای دهد حسین

آسمان صدای زند حسین

زمین فریاد می زند حسین

کوی خورشید هم در هنگام غروب به یاد کربلا، خونین می شود

یا ابا عبدالله شهید عاشورا

نگر از شر گلگون منی

می خوانم یاسین را که قلب قرآن است

و چه کسی می داند

که یاسین همان یاسینی است که گردش را زده اند

پس فریادم را به عرش می رسانم و می گویم یا حسین ؛

نعمه های اللهم عجل لولیک الفرج های دوست دارانت را به یاد داشته باش

تو بخواه استجاب دعای نکفته مرا از خدا



یا اباعبدالله پسر فاطمه سلام .

سراب می گوید چشم ما را باید شست جور دیگر باید دید

سراب! آیا ندیدی زینب جز زیبایی در عاشورا چیزی ندید؟

باز هم می گوئی جور دیگر باید دید؟

آری! مشکلی خواهم ساخت، خواهم داد به عباس

عباسی که تنهاست

و در جستجوی یوسف بی کفش است

تنها با الابدگر الله قلبش آرام می گیرد

و چه اندوه بزرگیت که یوسف را در قتلگاه بینی

حسین فاطمه سلام

چه کسی می تواند عشق تو را انکار کند؟

مجنون! مجنون دل حسین

لیلی! دلباخته حسین

خسرو! دل فریفته حسین

و شیرین! ماتم زده غم حسین

[برگرفته از شعر ارغوان امیر هوشنگ ابتهاج]

زهرا حاجی قاسمی

حسین فاطمه سلام ....



## حقوق بشر

### حقوق بشر

حداقل حقوقی که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است. حقوق اسلامی، بر خلاف قوانین موضوعه، تنها از عقل و وجدان انسان سرچشمه نمی‌گیرد، سرچشمه قوانین اسلامی، خدای جهان آفرین است، اوست که از مصالح و مفاسد کارها و روابط و پیوستگی‌های امور آگاهی درستی دارد و زمان قانونگذاری، سعادت جامعه را در نظر می‌گیرد، نه منافع شخصی یا گروهی و جانب‌داری بیجا از این و آن؛ پس مقام قانونگذاری منحصر به او است.



تنها مرجعی که صلاحیت قانون و ایجاد مقررات برای انسان را دارد، خداوند متعال است و از آنجا که خدا خالق فطرت انسانها است. غربی‌ها سه قرن دنیا را غارت کردند. از شرق آسیا، از اندونزی، از فیلیپین، از نپال، از شبه‌قاره‌ی هند بگیرد تا آسیای مرکزی و آسیای غربی و تا شمال آفریقا، بخشهای مغرب آفریقا و تا سرتاسر آفریقای سیاه؛ به اینها اکتفا نکردند، آمریکای جنوبی را هم دست گذاشتند، آنجا را هم غارت کردند؛ قاره‌ی آمریکا هم صاحبانی داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ که همگی این‌ها در متون تاریخی دقیق و مشخص است.

با وجود اینکه [آمریکا]، از بی‌رحم‌ترین و سنگدل‌ترین حکومت‌های دنیا است، در تبلیغات، طرفدار حقوق بشر است، طرفدار حقوق مظلومین است، طرفدار حقوق حیوانات است! خوب این‌ها باید رسوا شوند؛ این‌ها باید گفته‌شوند، این‌ها باید در سطح دنیا دانسته‌شوند. صدام خبیث به پشوانه‌ی کدام قدرت، یک چنین جنایات صریحی را بی‌پروا انجام می‌داد؟ چه کسانی پشتیبانش بودند؟



اما دروغگویان مدعی حقوق بشر در اروپا و آمریکا که در قضیه‌ی اوکراین، آن غوغا را به راه انداختند، در برابر این همه جنایت در فلسطین، مهر سکوت بر لب زده‌اند و از مظلوم دفاع نمی‌کنند؛ بلکه به گرگ خون‌خوار کمک می‌کنند. سیاست‌های نظام سرمایه‌داری ظالم و سفاک، دست یک ملت را از خانه‌ی خود، از میهن و خاک آباء و اجدادی خود کوتاه کرده و در آن، رژیم‌ی تروریست و مردمی بیگانه را نشانده است.

همان کسانی که این گرگ خون‌خوار را آن روز پشتیبانی می‌کردند، امروز دم از حقوق بشر می‌زنند، امروز خودشان را متولی حقوق بشر در همه‌ی دنیا میدانند! این قدر بی‌حیایی و بی‌شرمی در کار این قدرت‌ها هست! منافقین در مثل امروزی [هفتم تیر] جنایت بزرگی در حق ملت ایران کردند؛ که این شخصیت برجسته‌ی باعظمت ممتاز را [شهید آیت‌الله بهشتی] با حدود هفتاد نفر، شخصیت‌های دیگر از این کشور گرفتند و این قاتل‌ها، این قاتلهایی که خودشان به این جنایت و به این حرکت فجیع و به این معنا اعتراف کردند.

فرانسوی‌ها که امروز صدای مباحث حقوق بشری‌شان و دموکراسی‌خواهی‌شان گوش  
فلک را کر می‌کند، آن قدر جنایت در شمال آفریقا، در الجزایر، در مراکش، در  
تونس انجام دادند!



در شرق آسیا در ویتنام قبل از آنکه آمریکایی‌ها وارد ویتنام شوند، فرانسوی‌ها آنجا  
جنایت کردند، جنایات بسیاری انجام دادند؛ در همین سوریه و لبنان فعلی، ارتش  
فرانسه جنایات عجیبی انجام داده و همه اینها مربوط به صد سال اخیر است. خاصیت  
ارتش‌های استکباری یک چنین خاصیتی است.

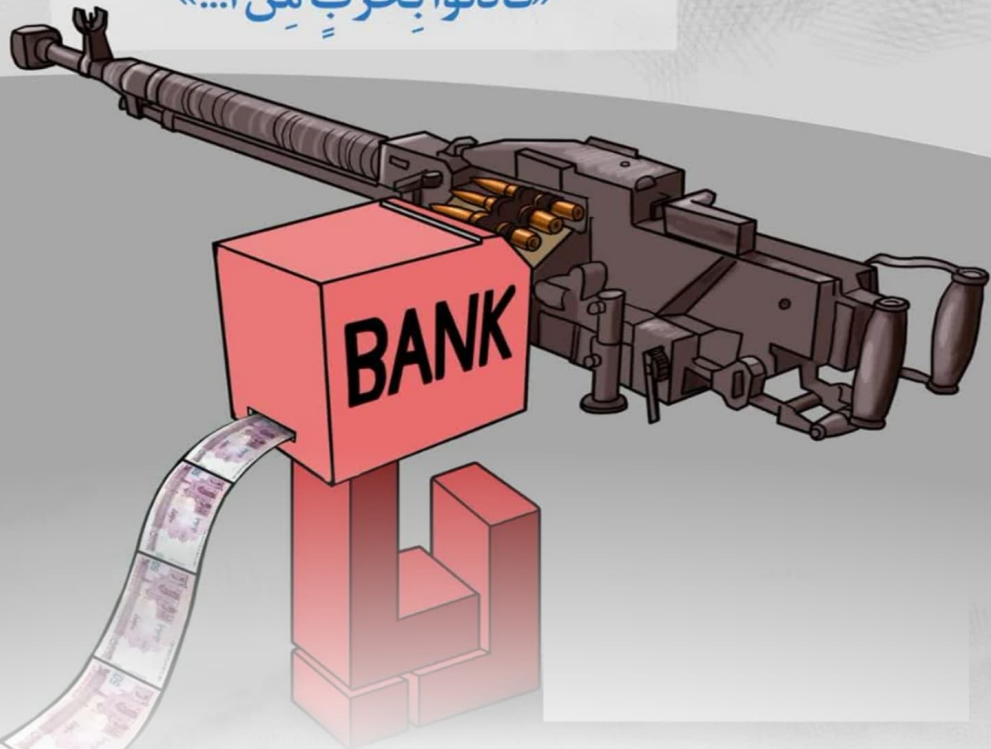




## ربا خوار، محارب با خداست

او باید بداند که در این جنگ،  
در یک طرف او قرار دارد و در طرف دیگر، خداوند جبار

«فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ ا...»



## بانکداری اسلامی یا ربوی

## قسمت اول

تا به حال شنیده‌ای، که اسلام از اقتصاد صحبت کند ؟  
آیا تا به حال دیده‌ای، که اسلام برای اقتصاد راهکار دهد ؟  
آری، اسلام، پایه‌های اقتصاد را در حوزه فردی و اجتماعی مشخص کرده و تحقق آن را بر عهده حکومت و افراد گذاشته است.  
اسلام، نه تنها برای آخرت، که برای دنیای افراد نیز راهکار داده و یکی از آنها اقتصاد و معیشت مسلمانان هست.

گرچه به علت حکام جور، آثار کمتری از اهل بیت در این حوزه هست؛ اما با نگاهی کوتاه به حکومت امیرالمومنین (ع)، میتوان دید که حکومت اسلامی، وظیفه تامین معیشت و حقوق ابتدایی و تامین برخی درآمدهای درونی، نظیر زکات را در دستور کار دارد.  
اما با گذشت زمان انفال و برخی درآمدهای جانبی نیز به آن اضافه می‌گردد.

اما اگر از جهان اسلام به سوی غرب سفر کنیم، جایی که محاسبات مادی را سرمشق قرار داده و با اختراع علم اقتصاد و بانکها، بلایی به نام تورم و گرانی را به جان مردم دنیا انداختند، را خواهیم دید.  
چرا که با دزدیدن طلای مردم، توسط بانکهای یهودی، باعث شد پول کاغذی خود را وابسته به طلا بدانند؛ طلایی که غالباً وجود خارجی نداشته و صرفاً برای بالا بردن ارزش محصولات است.  
اما جهان غرب ثروت‌اندوزی را پایه اقتصاد می‌داند و برای رسیدن به آن از انواع ترفندهای گوناگون استفاده می‌کند.

# ربا خواری یا خط مقدم جنگ با خدا



برای مثال: استعمار، نظریه‌های اقتصادی سکولار و کمونیستی و قس علی‌هذا. بهتر است به یک نکته پردازیم، که امروزه کار را به دست گرفته و هر اسبی را که دلشان می‌خواهد می‌تازانند، منظورمان بانک‌ها هستند. اکنون می‌پردازیم به تاریخچه بانک‌ها:

بانک، با هدفی چون تجهیز و توسعه اعتبارات، آسان کردن معاملات، وصول مطالبات اسنادی و سود، خیلی از کارهای پنهان و پیدای دیگر شروع شد؛ اما رفته رفته با خلق پول و وام‌های درصددار که در اسلام "ربا" نام دارد، کار را برای خود نان آورتر هم کردند.

اما بانک در دیدگاه اسلام متفاوت است. در نگاه اسلام، بانکداری اسلامی با هدف تسهیل کار مردم در حیطه تجارت ورود کرد؛ اما باید دید که ورود موفق داشته یا نه؟! بانک‌ها به عناوین گوناگون در جهان اسلام طعم ربا را چشیده‌اند و ۲۰۰ سر شده‌اند، که بریدنش کار حضرت اجل است.

بانک‌ها اگر وارد کار اقتصادی شوند و چرخ اقتصاد را بدون زد و بند و رانت اداره کنند، مفید است و سرمایه‌گذاری در اقتصاد نیز می‌تواند مثمر ثمر باشد؛ ولی از آنجایی که بانک‌ها از ربا تغذیه می‌شود، نمی‌توان این نقش را از بانک گرفت؛ چرا که جان به جان آفرین می‌سپارد و در اسلام نیز این فعالیت را مستقیماً از طریق وام و کارهای گوناگون که مرحله‌ای محسوب می‌شوند، به دست می‌آورد.

اما اسلام به علت پویا بودن خود چاره‌ای به نام بانکداری اسلامی اندیشید، که آن قرار از این بود که بانک‌ها در فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشته باشند. نه به صورت ربوی بلکه به صورت حامی و خود نیز فعالیت اقتصادی داشته باشند.





آیا می دانستید؟!

پخشیدن کوههای آوارات به ترکیه، اروپا رود  
و مناطق قصر شیرین به عراق، دشت نا امید  
به افغانستان، پختی از وطن فروشی رضا  
شاه بوده است.

برای همین وطن فروشی ها سرچشمه رود  
هیرومند از دسترس ایران خارج شده و الان  
که در سیستان بحران آب، معطل شده  
بخاطر این امر است.

تشیکی، هدیه رضا شاه به ایران

## پیش‌نگاشت رفت

**قبل انقلاب: عدم مطرحیت در**

**سینمای جهان**

**بعد انقلاب: قرار گرفتن در**

**بین ۱۰ سینمای برتر جهان و**

**سه کشور برتر دنیا در صنعت**

**دوبلاژ**

متن نامه آیت الله کاشانی به مصدق در روز 27 مرداد 1332، درست يك روز قبل از کودتای 28 مرداد به این شرح است:

«حضرت نخست وزیر معظم جناب آقای دکتر مصدق دام اقباله

عرض می شود، اگر چه امکاناتی برای عرایض نمانده ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی رغم غرض ورزی ها و بوق و کرنای تبلیغات شما، خودتان بهتر از هر کس می دانید که هم و غم در نگهداری دولت جنابعالی است، که خودتان به بقاء آن مایل نیستید.

از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازی های اخیر بر من مسلم است که می خواهید مانند سی ام تیر کذایی يك بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. حرف این جانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای رفراندوم نشنیدید و مرا لکه حیض کردید. خانه ام را سنگباران و یاران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد بستید و حالا نه مجلسی است و نه تکیه گاهی برای این ملت گذاشته اید.

زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگاه داشته بودم با لطایف الحیل خارج کردید و حالا همانطور که واضح بوده در صدد به اصطلاح کودتا است. اگر نقشه شما نیست که مانند سی ام تیر عقب نشینی کنید و به ظاهر قهرمان زمان بمانید، و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همانطور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندی رسن هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسی ها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیا پسندی می خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد. و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی خواهید کنار بروید، این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود، که من شما را با وجود همه بدی های خصوصی تان نسبت به خودم از وقوع حتمی يك کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست آگاه کردم، که فردا جای هیچ گونه عذر موجهی نباشد. اگر به راستی در این فکر اشتباه می کنم با اظهار تمایل شما، سید مصطفی و ناصر خان قشتایی را برای مذاکره خدمت می فرستم، خدا به همه رحم بفرماید. ایام به کام باد.



# عن عملا

مَبَازِعُ شَيْعِيَّةٍ

اگر گفته شیعیان، در مورد علی بن ابی طالب درست باشد و او واقعا فردی علیه السلام بوده و دارای اعمال و کردار نیکو می بوده است، خب پس چرا مردم او را به خلافت برنگزیدند؟ پس حتما او طبق گفته شیعیان نبوده است و اشکالاتی داشته است.





## کتاب پنجم

محمد و علی اهل این کار ها نیستند؛ پس به درد نمیخورند، تازه از دست پیامبر راحت شدیم، بگذارید نفس بکشیم و کپی پیامبر را حاکم نکنید. (علی تربیت یافته پیامبر است.)

خلفای اول و دوم تا حدودی توانستند، بعضی از سیره پیامبر را جاری کنند؛ ولی اینها باب میل علی(ع) نبود، چرا که در جریان شورای بعد از خلیفه دوم، علی(ع) حاضر به اجرای سیره خلفای قبل نشد و در نتیجه به عنوان خلیفه انتخاب نشد. دلایل دیگری نیز بر عدم انتخاب حضرت علی به خلافت ذکر شده، که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد :

کینه و نفرت از علی (ع) :

بسیاری از قبایلی که در مکه و در مدینه و اطراف آن زندگی می کردند، نسبت به علی (علیه السلام) بی مهر بودند و کینه او را در دل داشتند زیرا علی بود که پرچم کفر این قبایل را سرنگون کرد و قهرمانان آنان را به خاک ذلت افکند. این افراد، هر چند بعدها پیوند خود را به اسلام اعلام نمودند؛ ولی در باطن - علی رغم تظاهر به اسلام - بغض و عداوت علی (علیه السلام) را در دل داشتند.

انتقام از علی (ع) به جای پیامبر :

قریش، در زمان حیات رسول خدا (ص) از آن حضرت شکست های متعددی متحمل شدند و هیچ

اگر بخواهیم در یک جمله، عدم انتخاب حضرت علی را به خلافت بیان کنیم، باید بگوییم : (او به خلافت انتخاب نشد، چون بسیار شبیه پیامبر بود.) این مطلب را شاید کمتر شنیده باشید، ولی اغلب مردم کم کم از دست پیامبر خسته شده بودند؛ از دست بخشش های او ، گذشت های او ، باج ندادن های او و....

قاضی عیاض، در کتاب الشفاء نقل می کند که: در جنگ احد، زمانی که دشمن با پرتاب سنگ باعث شکستن دندان پیامبر شد، یکی از اصحاب به پیامبر گفت : یا نبی خدا، این قوم را نفرین کن، تا از زمین و آسمان برایشان بلا ببارد .

پیامبر دست هایش را رو به آسمان گرفت و گفت : خدایا این ها قوم من هستند، که دچار جهل و نادانی شده اند؛ آنها را هدایت کن و پیامبرز.

خب تحمل این نوع رفتار برای همه آسان نیست. از نظر عوام مردم آن زمان، حاکم باید اهل مجازات باشد، اهل تنبیه باشد، مهربانی هم حدی دارد ؛ محمد و علی افراط می کنند و در هر مسئله ای دعوت به گذشت و عطفوت میکنند.

و از نظر خواص حاکم، باید بین خواص و عوام فرق قائل باشد؛ چه دلیلی دارد که وزیر و چوپان به یک اندازه بیت المال بگیرند، خواص هم باید حقوق و هم بیت المال اضافی بگیرند و از رانت ها و امتیازات ویژه هم برخوردار باشند .

وقت نتوانستند این شکست‌ها  
را جبران کنند. بعد از رحلت آن  
حضرت، تلاش کردند که انتقام آن را  
از اهل بیت آن حضرت و به ویژه از  
امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بستانند که  
اتفاقاً موفق نیز بودند.



شوخی طبعی و خنده رو بودن :  
مخالفان حضرت، برای رد صلاحیت  
ایشان دلایلی از خود تراشیدند، که  
یکی از اینها این بود که به گونه ای به  
مردم تلقین کنند که ایشان همه چیز را  
به شوخی می‌گیرد و فرد جدی نیست.  
در حالی که، در احادیث پیامبر و اهل  
بیت با اینکه به تبسم و خنده رو بودن  
توصیه شده، ولی خنده بیجا و سستی  
در کارها نهی شده است.  
اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا.

سینا پلنکی





# عَافِيَةً لَكُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحَمَّدِي وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خدا

با عرض سلام و وقت بخیر و آرزوی سعادت برای دوستان و همراهان عزیز  
بنده از طرف خودم و همکارانم از صمیم قلب از شما همراهان و خوانندگان عزیز تشکر  
میکنم که وقت گرانبهای خود را صرف مطالعه این نشریه قرار دادید.

در واقع اصلی ترین کار را در این نشریه نویسندگان عزیز و طراح گرامی انجام میدهند.  
و لذا برای بهبود و تقویت کار و استفاده از مطالب و تجربیات شما عزیزان ، نشریه  
تبیان در قالب این فراخوان از کسانی که احساس میکنند میتوانند در قالب نویسنده و یا  
گویندگی ظاهر شوند با افتخار استقبال میکند و به این افراد گواهی تعلق میگیرد.

برای اعلام آمادگی خود به آیدی زیر در پیامرسان ایتا یا تلگرام پیام بدهید :



@SINA\_PALANGI

